

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ازدواج

دوره ششم، شماره چهارم

نام جزوه: ازدواج

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- جوانی و بروز غریزه ۵
- نقش غریزه ی جنسی در جسم و جان ۶
- ارضاء غریزه از دیدگاه افراطی ها ۱۲
- ارضاء غریزه از دیدگاه اسلام ۱۵
- عزوبت از نظر اسلام ۱۶
- مشکلات ازدواج و راه حل آنها ۲۱
- مشکلات ازدواج ۲۲
- ۲ - بالا رفتن هزینه ی ازدواج ۲۴
- هم شأن بودن ۲۶
- ازدواج بدون تشریفات عروسی ۳۶

دوره ششم، شماره چهارم / ۵

جوان‌ها هرکدام توانائی دارید، همسر اختیار کنید زیرا ازدواج چشم را از نامحرم بهتر می‌پوشاند و پاک‌دامنی نیکوتری می‌بخشد. پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه واله).^۱

جوانی و بروز غریزه

با فرارسیدن بهار بلوغ و شکوفان شدن گلهای جوانی، در ذهن پسران و دختران، احساسی پنهان و مرموز نسبت به جنس مخالف جوانه می‌زند که به موازات بارور شدن قوا، نیرومندتر می‌گردد و

۱. مستدرک الو سائل، ج ۲، ص ۵۳۱، حدیث ۲۱.

سرانجام به صورت میل و خواسته‌ای حتمی و شدید،
درمی‌آید، این غریزه‌ی نیرومند، همان غریزه و میل
جنسی است.

نقش غریزه‌ی جنسی در جسم و جان

باید دانست:

۱ - این میل تنها برای لذت جویی نیست. بلکه
خداوند به موجب حکمت خویش آن را وسیله‌ی
تولیدمثل و بقاء نسل قرار داده است، چه اگر، این
کشش و جاذبه در آدمی نبود تن به ازدواج نمی‌داد و
در نتیجه نسل بشر به نابودی می‌گرایید شیرینی همین
کشش و جاذبه است که زن و مرد را وامی‌دارد تا
زحمات همسرگزینی و همسررداری و مسئولیت‌های
گونگون ازدواج را تحمل کنند.

دوره ششم، شماره چهارم / ۷

۲ - غریزه‌ی جنسی یک خواسته‌ی طبیعی است که اگر پاسخ درستی به آن داده نشود. ممکن است در جان و تن و تعدیل غرایز اثر نامطلوبی داشته باشد. به‌ویژه در این زمانه که وسایل تهیج و موجبات تحریک این غریزه از زمان‌های پیشتر، بیشتر است؛ و مهاجمین فرهنگی در نشر و گسترش آن در تلاشی پیگر می‌باشند.

پس با توجه به اهمیت این غریزه، باید در پاسخ به آن راهی را انتخاب کرد که این غریزه خود در مسیر تکامل انسان قرار گیرد. آنچه مسلم است: نمی‌توان این خواسته‌ی طبیعی را نادیده گرفت و بدان بی‌اعتنا ماند و نیز نباید آن را به‌کلی نابود کرد؛ چه دوام نوع انسان به آن وابسته است؛ و هم

نمی‌توان آن را بی‌قید و شرط آزاد گذارد و بی‌بندوبار شد؛ چه آدمی و جامعه را از راه صحیح زندگی انسانی بیرون می‌برد و به منجلاب سقوط‌های اخلاقی می‌کشاند و راه صحیح جز تن دادن به ازدواج و همسرگیری نیست.

گروهی به غلط تصور کرده‌اند که اگر غریزه‌ی جنسی را در خود محکوم کنند و به حال تجرد و عزوبت به سر برند کار بجا و شایسته‌ای انجام داده‌اند؛ و حتی مجرد ماندن را فضیلت بزرگی پنداشته‌اند.

در صورتی که اسلام این کوشش را پسندیده نمی‌داند و مسلمان را موظف می‌سازد که در پرتو ازدواج و بهره‌یابی از لذت‌های آن، تربیت فرزند و

دوره ششم، شماره چهارم / ۹

تحمل مشکلات آن، فضیلت روحی و معنوی خویش را تحصیل و تکمیل کند؛ و به همین منظور، تجرد و خودداری از زناشویی را ناپسند دانسته و ازدواج را برای همه لازم تشخیص داده و آن‌ها نیکو و مستحب معرفی کرده است.^۱

بنابراین معتقدات مسیحیت در مورد ازدواج - به پیروی از انجیل متی^۲ و رساله‌ی پولس به کوزنتیان و شورای «الویرا» - که خودداری از زناشویی را بهتر پنداشته‌اند، در منطق اصیل قرآن و اسلام بی‌پایه و مردود است.

۱. مراجعه شود به نکاح جواهرالکلام - نکاح حدائق - نکاح عروة الوثقی.

۲. انجیل متی باب ۱۹، ص ۳۲، بند ۱۲ - ۱۱.

در بین کاتولیک‌ها، گروهی به نام «گروه دینی»، به‌رغم خویش برای وصول به مقام قدس و تقوی از لذت جنسی صرف‌نظر کند...^۱.

در کلیساهای غرب، کشیش‌ها، راهب‌ها و راهبه‌ها نذر می‌کنند که مجرد بماند و همسر نگیرند. در کلیساهای شرقی نیز، اسقفان تقریباً همیشه در میان روحانیونی انتخاب می‌شوند که ازدواج نکرده باشند و کشیشان پس از رسیدن به سمت کشیشی، حق ازدواج ندارد و کسانی هم که قبلاً ازدواج کرده‌اند اگر همسرشان بمیرد، حق ازدواج ثانوی نخواهد

۱. ترجمه از مذهب کاتولیک، نوشته‌ی ادوآد. ک. تیلور، انتشارات مرکز تحقیقات، ص ۱۵۶ - ۱۵۳، مخلوط و محفوظ در کتابخانه‌ی شخصی مؤسسه‌ی در راه حق قم.

دوره ششم، شماره چهارم / ۱۱

داشت...^۱ اما تا چه اندازه به مجرد خویش پای بندند و تا کجا به مقام قدس و تقوی رسیده‌اند و نیز در اثر این ممنوعیت‌ها دچار چه مفاسدی شده‌اند، موضوعاتی است که محتاج به گفتن نیست و فعلاً از بحث ما خارج است.

آنچه ما می‌خواهیم بگوییم این است که اسلام، ازدواج را با شرایط آن با دوستی خدا و مقام قدس و تقوی ناسازگار نمی‌بیند، بلکه می‌خواهد مسلمانان، فضیلت روحی خود را در ازدواج و مشکلات آن دریابند.

۱. ترجمه از مذهب کاتولیک نوشته‌ی ادوآد. ک. تیلور، انتشارات مرکز تحقیقات، ص ۱۵۶ - ۱۵۳، مخلوط و محفوظ در کتابخانه‌ی شخصی مؤسسه‌ی در راه حق قم.

ارضاء غریزه از دیدگاه افراطی‌ها

برخی، چون فروید و همفکران او، راه افراط و تندی را پیموده‌اند و با طرفداری از آزادی نامحدود غریزه، فحشاء و بی‌بندوباری را برای جامعه تجویز کرده‌اند. این‌ها یا از مفاسد بزرگ و زیان‌بار رهایی و افراط در غریزه‌ی جنسی آگاه نیستند و یا با آگاهی نقشه‌ای شوم برای مسموم ساختن ملت‌ها به‌ویژه برای نابودی جوانان مسلمان طرح کرده‌اند.

دقت کنید:

رهبران صهیونیسم، در تشریح و ترسیم سیاست

جهانی یهود تصریح کرده‌اند:

«بر ما لازم است، که در راه گسترش فساد

اخلاق در همه‌جا سعی بیشتری نماییم تا بهتر بتوانیم

دوره ششم، شماره چهارم / ۱۳

قدرت به دست آوریم... فروید از ماست و او پیوسته مطالب جنسی را آشکارا نشر می‌دهد تا در نظر جوانان چیز مقدسی باقی نمانده، یگانه اندیشه‌ی آنها این باشد که غرایز جنسی خود را اشباع کنند و سرانجام انسانیت خود را از دست دهند»^۱!

اشتباه آنان که افکار فاسد فروید تقلید می‌کنند در این است که تصور کرده‌اند اشباع نامحدود غریزه می‌تواند آنها آرام کند. اینان محدودیت غریزه و عواقب سوء آن را دیده و معتقد شده‌اند که قیدوبند، غریزه‌ی جنسی را به عصیان و انحراف می‌کشاند، پس باید آنها آزاد گذاشت و به زن و مرد اجازه‌ی

۱. پروتوکولات حکماء صهیون به نقل از «کتاب آسمانی کدام

هر نوع تماس و ارتباطی را دارد! و توجه نکرده‌اند، همان‌طور که ممنوعیت به‌طور مطلق، تولید عقده و انحراف می‌کند؛ آزادی بی‌قید شرط جنسی نیز منحرف‌کننده و نکبت‌بار است؛ و این رازی پوشیده نیست بلکه حقیقتی آشکار است که هم‌اکنون در جوامع شرق و غرب به‌روشنی نتایج آن را می‌بینیم.

گاهی نیز، چون تمام خواسته‌های افراد بی‌بندوبار برآورده نمی‌شود. غریزه‌ی آنان بدتر و بیشتر سرکوب‌شده و دچار عقده‌های بزرگ‌تر و زشت‌تری می‌شوند.

بنابراین برای آرامش غریزه‌ی جنسی باید از افراط و بی‌بندوباری نیز جلوگیری شود.

دوره ششم، شماره چهارم / ۱۵

ارضاء غریزه از دیدگاه اسلام

اسلام با در نظر گرفتن نیازهای واقعی و فطری و با توجه به همه‌ی مصالح فردی و اجتماع برای ارضاء میل جنسی راهی را برگزیده که هم از مفاسد محدودیت‌ها و عقده‌های ناشی از آن به دور است و هم نتایج نکبت‌بار آزادی و بی‌بندوباری دامن‌گیر آن نمی‌شود.

اسلام از یک‌سو مسلمان را از تجرد و تنهایی و کناره‌جویی از اجتماع بازمی‌دارد و از سوی دیگر برای ارضاء میل جنسی - در حد نیاز طبیعی - ازدواج و همسرگزینی را پیشنهاد می‌کند و حتی در آنجا که خطر طغیان غریزه و انحراف باشد، ازدواج را واجب می‌داند...

عزوبت از نظر اسلام

اسلام نه تنها مجرد ماندن و بی همسر زیستن را نمی پسندد، بلکه آن را درخور نکوهشی شدید می داند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه واله) می فرماید: خوبان امت من همسر داران و بدان آن عذب‌ها و بی هم سرانند.^۱

عبدالله بن مسعود می گوید:

در یکی از جنگ‌ها در رکاب پیامبر (صلی الله علیه واله) بودیم و چون - همسرانمان همراهمان نبودند - از جهت جنسی به دشواری می گذرانیدیم؛ از آن حضرت پرسیدیم: آیا جایز است غریزه جنسی را

دوره ششم، شماره چهارم / ۱۷

در خود به کلی از بین ببریم؟ آن حضرت ما را از این کار بازداشت.^۱

با توجه به خطرات سرکوبی غریزه و عواقب نامطلوبی که به دنبال دارد - و از پیش بدانها اشاره شد- ارزش و اهمیت این نظریه، روشن تر می شود.

رهبانیت در اسلام

رهبانیت - (ترک دنیا و لذتها) - در اسلام مذمت شده و ممنوع است و مسلمانان می باید از آن پرهیزند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله) می فرماید:
لَيْسَ فِي أُمَّتِي رُهْبَانِيَّةٌ...^۲ آن گرامی چون شنید یکی از یارانش - عثمان مظنون- زن و زندگی را رها کرده و

۱. صحیح مسلم جزء ۴، ص ۱۳۰.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۵۱۱.

به روزه گرفتن و شب‌زنده‌داری پرداخته است؛
خشمگین از منزل بیرون آمد و خود را به او رسانید
و فرمود:

«خداوند مرا برای رهبانیت نفرستاده، بلکه مرا
با دینی معتدل و آسان و بدون دشواری برانگیخته
است؛ من روزه می‌گیرم، نماز می‌خوانم و بازنان نیز
آمیزش دارم. هر کس دین فطری مرا دوست دارد
باید به سنت و روش من عمل کند؛ و ازدواج از
روش‌ها و سنت‌های من است...»^۱

ازدواج در اسلام

در منابع اسلامی به ازدواج تشویق بسیار شده، برای
نمونه به این آیه از قرآن کریم توجه کنید:

دوره ششم، شماره چهارم / ۱۹

از جمله‌ی نشانه‌ها و آیه‌های او (پروردگار) اینکه برایتان از خودتان همسرانی آفریده تا به آنها آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاده است.^۱

پس ازدواج از دیدگاه قرآن نه تنها، پلیدی نیست بلکه وسیله‌ای است برای آرامش و سکون و مایه‌ای است برای محبت و مهر و راستی؛ آرامش ازدواج را کسانی بیشتر درک می‌کنند که رنج تنهایی و نابسامانی مجرد زیستن را چشیده از روح پرتلاطم و پریشان جوانان مجرد، آگاه باشند.

پیامبر (صلی الله علیه واله) می‌فرماید:

«جوان‌ها! هرکدام توانایی دارید، همسر اختیار کنید زیرا ازدواج، چشم را از نامحرم بهتر می‌پوشاند و پاک‌دامنی نیکوتری می‌بخشد...»^۱.

و نیز آن گرامی می‌فرماید:

«هرکس ازدواج کند نیمی از دین خود را احراز کرده است».^۲

آری، آنگاه که با ازدواج، غریزه‌ی جنسی مهار شد و روح پر اضطراب جوان اعتدال و آرامش یافت، حقایق زندگی را بهتر درک می‌کند و به سوی دین و سعادت خود سریع‌تر گام برمی‌دارد و برای رسیدن به این هدف، بر همگان لازم است که با همکاری

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۱، حدیث ۲۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵.

دوره ششم، شماره چهارم / ۲۱

عمومی وسایل ازدواج و شرایط آن را فراهم سازند تا جوانان، از جوانی پرنشاطی برخوردار شوند و در آغوش خوشبختی گلهای مهر را ببینند... تا در بهار جوانی باران رحمت بر آنها ببارد و پاکی‌شان را لکه‌ی گناهی آلوده نسازد و جانشان در ظلمات اندوه سرگردان نماند و دیدگان‌شان به هرزگی نگراید... تا غرورشان نشکند و شورشان به شر تغییر نیابد.

مشکلات ازدواج و راه‌حل آنها

همه‌ساله آثار فجایع و سرسام‌آوری از بی‌بندوباری‌های جهانی منتشر می‌شود که همه‌ی متفکران را نگران می‌کند این‌ها سندهای زنده‌ی انحطاط فرهنگ غربی و نتایج شوم بی‌عفتی و بی‌بندوباری در جوامع به‌ظاهر پیشرفته‌ی آنهاست.

بدیهی است که اگر موانع راه ازدواج برداشته شود و پسران و دختران زودتر همسر اختیار کنند، این گونه فجایع از بین می‌رود. متفکران غربی خود نیز نگران‌اند و دریافته‌اند که تنها راه حل همان است که اسلام توصیه کرده است، «ویل دورانت» می‌گوید: اگر راهی پیدا شود که ازدواج در مهر و موم‌های طبیعی انجام گیرد، فحشاء، بیماری‌های خطرناک، تنهایی، بی‌ثمر و عزلت ناپسند و انحرافات که زندگی معاصر را لکه‌دار کرده است تا نصف تقلیل خواهد یافت.^۱

مشکلات ازدواج

۱ - مشکل اقتصادی و نبودن درآمد کافی:

۱. اصول روانشناسی انگیزه‌های روانی، ص ۴۹۶، ترجمه‌ی علی - سبحانی.

دوره ششم، شماره چهارم / ۲۳

در جهان کنونی، بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی فاصله افتاده است و همین امر موجب وحشت جوانان از ازدواج می‌شود و آن را همچون هیولایی در نظرشان مجسم می‌سازد و سنگینی بار اقتصادی جوان را ناگزیر می‌سازد که به این زودی‌ها تن به ازدواج ندهد.

رشد جنسی مانند سابق زود دست می‌دهد ولی رشد اقتصادی دیرتر می‌رسد، تأخیر ازدواج هم امری دشوار و غیرطبیعی می‌نماید و سرانجام شعله‌های شهوت سر برمی‌آورد و عوامل محیط نیز آن را دامن می‌زند و کفّ نفس مشکل می‌گردد.

از این رو ما به جوانان سفارش می‌کنیم که توقعات خود را در زندگی کاهش دهد و بدانند

هیچ کس در آغاز جوانی تمام نیازمندی‌هایش به‌طور دلخواه رفع نشده است، باید با توجه به واقعیت‌های زندگی، زنجیر تشریفات نابجا را از دست و پای خود باز کنند، چشم هم‌چشمی‌ها و تقلیدهای غلط را کنار بگذارند و همین‌که احساس کردند شرایط اولیه و عاقلانه‌ی ازدواج برایشان فراهم است اقدام کنند.

قرآن کریم می‌فرماید: وسایل ازدواج پسران و دختران مجرد را فراهم آورید، چنانچه آنان تهیدست باشند خداوند به فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌کند.^۱

۲ - بالا رفتن هزینه‌ی ازدواج

مشکل دیگر، بالا رفتن هزینه‌ی ازدواج است، زیاد شدن مهریه‌ها، توقعات بیجا و اشکال تراشی

دوره ششم، شماره چهارم / ۲۵

عروس‌ها و اولیاء آنان و تشریفات و پیرایه‌های دیگری که به ازدواج بسته‌اند جوانان را نسبت به زناشویی بدبین و از اقدام به آن ناامید می‌سازد. آیا مسئول این سنت‌های غلط کیست؟

شایسته است دختران و پدران و مادرانشان، پیام رسول اکرم (صلی الله علیه واله) را بشنوند و با پیروی از آن واقعیت را دریابند و از هوا و هوس پرهیزند. آن گرامی فرمود: آنگاه که کسی (خواستگاری) نزد شما آید که از اخلاق و دین او راضی هستید (و می‌پسندید) با او وصلت کنید، اگر سرباز زنید فتنه و فساد بزرگی در زمین روی می‌دهد...^۱

و نیز فرمودند: بهترین زنان امت من زیبارویان کم مهریه‌اند...^۱

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: از برکت زن این است که کم خرج باشد...^۲

هم‌شان بودن

یکی از علل توقعات بیجا و تشریفات غلط، نفهمیدن معنای «هم‌شانی» است، چه بسیاری از مردم چیزهایی را از ویژگی‌های هم‌شان بودن می‌پندارند که جز پیرایه و تشریفات نیست و از آنچه ملاک هم‌شان بودن واقعی است غفلت دارند. برخی می‌گویند چطور دخترمان را شوهر بدهیم!... هنوز یک شوهر

۱. وسائل، ج ۱۴، ص ۷۸.

۲. وسائل، ج ۱۴، ص ۷۸.

دوره ششم، شماره چهارم / ۲۷

ایدئال که از نظر زندگی، ثروت، مقام، فامیل، وسایل لازم و... هم‌شان دخترمان باشد پیدا نکرده‌ایم. گروهی که از این همه قیدوبند به ستوه آمده‌اند گناه را به گردن اجتماع می‌افکنند و نمی‌اندیشند که خود ماییم که سازنده‌ی چنین اجتماعی هستیم. در اسلام، هم‌شان بودن، برابری از نظر مال و مقام و دیگر جهات مادی نیست، بلکه اگر دو نفر از نظر دینی و اخلاقی همانند باشند هم‌شان یکدیگرند.

جوایز، مردی از اهل یمامه بود که در مدینه به حضور پیامبر (صلی الله علیه واله) شرفیاب شد و به اسلام اعتقاد نیکویی پیدا کرد و چون مردی کوتاه، نیازمند، برهنه، سیاه‌چرده و زشت‌منظر بود؛

پیامبر (صلی الله علیه واله) بسیار از او دلجویی می کرد و نیز به فرمان آن گرامی، جویر شبها در مسجد می خوابید.

به تدریج بر شماره‌ی مهاجران و غریبان بی‌پناهی که خوابگاهی جز مسجد نداشتند افزوده شد.

به پیامبر (صلی الله علیه واله) وحی شد که آنان را در جائی بیرون از مسجد مسکن دهد. رسول خدا (صلی الله علیه واله) به فرمان خدا عمل کرد و دستور داد برای (بی‌پناهان) جایگاهی جداگانه بنا کردند که بعدها «صفّه» نام گرفت و آنان را بدین جهت اصحاب «صفّه» می نامیدند...

دوره ششم، شماره چهارم / ۲۹

روزی پیامبر (صلی الله علیه واله) به رأفت و دلجویی در جویر نگریست و به او پیشنهاد فرمود برای خود همسری برگزیند...

جویر گفت: پدر و مادر فدایت باد، کدام زن به همسری من رغبت می‌کند؟ به خدا قسم نه حسب و نسبی دارم و نه ثروتی و از زیبایی نیز بی‌بهره‌ام.

پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: اسلام رسوم جاهلیت را از میان برداشت، آنان که در آن هنگام ناچیز بودند اینک با گرویدن به اسلام عزیزند و آنان که در جاهلیت (در پناه پول و قدرت و قبیله) خود را عزیز می‌پنداشتند، امروز (اگر به فرمان خدا سر فرود نیاورند) از دیدگاه اسلام بدبخت و سرافکنده و ناچیزند.

جویر! انسان‌ها همه از سپید و سیاه و عرب و عجم، فرزند آدم‌اند و آدم را خدا از خاک آفرید، در رستاخیز، بهترین آدمیان کسی که فرمان‌بردارتر و پرهیزکارتر باشد... بنابراین هیچ‌یک از مسلمانان را امتیازی بر تو نیست مگر به تقوی و پرهیزگاری...
آنگاه فرمود: به خانه‌ی زیاد بن لبید که از اشراف قبیله‌ی خویش است برو و بگو رسول خدا مرا فرستاده است تا دختری را به همسری من درآوری.

جویر به فرموده‌ی پیامبر (صلی الله علیه واله)
به خانه‌ی زیاد بن لبید رفت و اجازه خواست؛ و داخل شد و پیام پیامبر را رسانید...

دوره ششم، شماره چهارم / ۳۱

زیاد با شگفتی پرسید: آیا پیامبر (صلی الله علیه

واله) ترا فقط به همین منظور فرستاد است؟

جوiber گفت: من بر رسول خدا دروغ نمی‌بندم.

زیاد گفت: ما دخترانمان را فقط به کسی تزویج

می‌کنیم که هم‌شان خودمان و از انصار بوده باشد؛ تو

بازگرد تا من خود پیامبر را ملاقات کنم و عذر من را

معروض دارم.

جوiber بازگشت درحالی که با خود می‌گفت: به

خدا قسم این رفتارمان با فرمان و گفتار

پیامبر (صلی الله علیه وآله) سازگار نیست...

ذلفا، دختر زیاد در گوشه‌ای ایستاده بود و گفتار

جوiber را می‌شنید. پدر را به خلوت خویش خواند و

جویا شد که: با جوiber چه می‌گفتی؟

زیاد گفت: جویبر به خواستگاری تو آمده
بود و می گفت پیامبر فرموده است تو را به همسری
جویبر درآورم!

ذلفا گفت: زود او را بازگردان، به خدا سوگند
او بر پیامبر دروغ نمی بندد...

زیاد جویبر را بازگرداند و خود به حضور
پیامبر (صلی الله علیه واله) شرفیاب شد و گفت: پدر و
مادر قربانت باد، جویبر چنین پیغامی از جانب شما
آورده، شما می دانید که ما جز به هم شأنمان دختر
نمی دهیم...

پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود:

جویبر مؤمن است و مرد مؤمن هم تراز زن
مؤمن و مرد مسلمان هم پایه‌ی زن مسلمان است،

دوره ششم، شماره چهارم / ۳۳

(الْمُؤْمِنُ كَفُوٌ لِّلْمُؤْمِنَةِ وَالْمُسْلِمُ كَفُوٌ لِّلْمُسْلِمَةِ)... جویر
را به دامادی بپذیر و او را از خویش مران و بهانه
میاور.

زیاد بازگشت و آنچه را که رسول الله (صلی الله
علیه واله) فرموده بود به دختر باز گفت.

ذلفا با ایمان کامل از پدر خواست تا فرمان
پیامبر (صلی الله علیه واله) را عملی سازد و گفت: اگر
نافرمانی کنی کافر می شوی!

زیاد، چون دختر را بدین وصلت راضی و
خشنود دید، جویر را میان بستگان خود آورد و ذلفا
را بدو تزویج کرد و چون جویر خانه یی برای
سکونت نداشت، خانه ای هم به او بخشید تا جویر و

ذلفا زندگی تازه‌ی خود را به آسودگی در آن آغاز
کنند...^۱

باید یادآور شویم، آنان که طولانی بودن دوران
تحصیل را موجب تأخیر ازدواج و مانع آن می‌دانند
در اشتباه‌اند. زیرا ازدواج نه تنها لطمه‌ای به تحصیل
نمی‌زند، بلکه آسودگی و آرامش به دست آمده از
زناشویی به تحصیل و ادامه‌ی آن کمک می‌کند. اینکه
می‌گویند تا جوان مدرک تحصیلی نگیرد و کاری
دست‌وپا نکند و اوضاع مالیش را سروسامان نبخشد
نباید ازدواج کند؛ حرف بی‌پایه و اساسی است؛ زیرا
چنانکه گفتیم موانع اقتصادی بیشتر زاییده‌ی
سنت‌های غلط و خودساخته است، اگر خانواده‌ها به

۱. اقتباس از فروع کافی، ج ۵، ص ۳۴۱.

دوره ششم، شماره چهارم / ۳۵

دستورات اسلامی عمل کنند و سطح توقعات را پایین بیاورند و دست از خرافات و چشم‌وهم‌چشمی‌ها بردارند؛ ازدواج که برای جوانان نیازمند مهلک و ترسناک جلو می‌کند، آرام و ساده و دلپذیر می‌شود.

به تعبیر روشن‌تر اگر دانش‌پژوهان دست از خواسته‌ها و هوس‌های بیجا بشویند و ارزش‌های واقعی را از بنیان‌های خرافی و موهوم تمیز دهند و پدر و مادر دختران نیز با شناخت صحیح آداب اسلامی و رسوم واقعی دین هر چه بیشتر سطح هزینه و مخارج و چشم‌داشت‌ها را کم کنند، خودبه‌خود راه ازدواج محصلین هموار شده و آنان می‌توانند در ضمن تحصیل اقدام به ازدواج نمایند.

ازدواج بدون تشریفات عروسی

راه حل دیگر برای ازدواج محصلین آن است که با انتخاب همسر موردنظر، مراسم ازدواج شرعی و عرفی را انجام دهند ولی مراسم عروسی را پس از پایان تحصیل برگزار کنند و بدین ترتیب در طول مدت تحصیل از طغیان غرایز و انحرافات ناشی از آن مصون می‌مانند...

در پایان به همه‌ی جوانان مجرد، (دختران و پسران) سفارش می‌کنیم پیش از ازدواج آگاه و بیدار باشند تا غریزه‌ی جنسی اختیار و آزادی‌شان را سلب نکند و آنان را برده و بنده‌ی هوس‌ها نسازد.

جوانان، نخست باید بکوشند با توجه به خداوند اراده و تقوی (خودداری) را در خود نیرومند

دوره ششم، شماره چهارم / ۳۷

سازند، زیرا شرط اصلی در پاک ماندن تقوای درونی انسان است و چه بسا اگر در جوان نیروی تقوی نباشد حتی بعد از ازدواج نیز، هوس‌ها و خواهش‌های شیطانی او را به هرزگی و ناپاکی بکشانند.

مولای ما امیر مؤمنان (صلی‌الله‌علیه‌واله) می‌فرماید: بر نیروی شهوت، پیش از آنکه نیرومند شود پیروز شو، چه اگر نیرومند شود بر تو حکومت می‌کند و تو را (تا دیار پستی و خواری) می‌کشاند و آنگاه دیگر توان ایستادگی در برابرش را نداری...^۱

و نیز همان گرامی فرمود: مغلوب شهوت، از برده خوارتر است...^۱.

به امید آنکه جامعه‌ی انقلابی ما با پیاده کردن نظام اسلامی و با چنگ زدن به تعلیمات اصیل مذهب، هرچه زودتر همه‌ی موانع ازدواج به‌موقع جوانان را از میان بردارد و بر همه‌ی تشریفات غلط و رسوم و آداب دست و پاه گیر - که در شرایط طاغوتی و یا از سوی دستهای پنهان و آشکار استعمار تحمیل شده‌اند - خط بطلان بکشد؛ و سپاس خدای را که طلیعه انوار اسلام از هم‌اکنون در زندگی جوانان دیده می‌شود و در همین مدت که از انقلاب مقدس اسلامی می‌گذرد نمونه‌های راستین

دوره ششم، شماره چهارم / ۳۹

از «ازدواج اسلامی» جوانان را شاهد بوده‌ایم که در
کمال عفت و تقوی و به‌دوراز تشریفات غلط
زندگی مشترک را آغاز کرده‌اند.

پایان